حدیث ذوالیدین در مورد سجده ی سهو

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که می گوید: «رسول الله صلی الله علیه وسلم یکی از دو نماز بعد از زوال (ظهر یا عصر) را دو رکعت خواند - محمد بن سیرین می گوید: ابوهریره رضی الله عنه نام این نماز را گفت ولی من فراموش کردم - سپس سلام داد و به سمت قطعه چوبی رفت که در مسجد گذاشته شده بود و به آن تکیه کرد گویا ناراحت است؛ و دست راستش را روی دست چپ گذاشت و انگشتانش را در هم نمود. کسانی که عجله داشتند از مسجد خارج شدند و گفتند: نماز کوتاه شده است؛ در بین مردم ابوبکر و عمر رضی الله عنهما نیز بودند ولی به علت تعظیم و احترام رسول الله صلی الله علیه وسلم از سخن گفتن با ایشان در این مورد خودداری کردند. در میان قوم شخصی که دست هایش دراز بود و او را ذوالیدین می نامیدند، پرسید: یا رسول الله، دچار فراموشی شدی یا نماز کوتاه شده است؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «لَمْ أَنْسَ وَلَمْ تُقْصَرْ»: «نه فراموش کردم و نه نماز کوتاه شده است». سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم از حاضرین پرسید: «أَكَمَا يَقُولُ ذُو الْيَدَيْنِ؟»: «آیا چنان است که ذوالیدین می گوید؟» همه گفتند: بله. آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم جلو آمد و باقیمانده ی نماز را کامل کرد و سلام داد. سپس تکبیر گفت و به سجده رفت و مانند سجده ی نماز یا طولانی تر از آن، سجده نمود. سپس سرش را بلند کرد و دوباره تکبیر گفت و سپس تکبیر گفت و مانند سایر سجده هایش یا طولانی تر از آنها به سجده رفت. سپس سرش را از سجده بالا آورد و الله اکبر گفت. از ابن سیرین پرسیدند: آیا پس از بالا آمدن از سجده ی دوم سلام داد؟ گفت: از عمران بن حصین رضی الله عنه چنین به من رسیده است که سلام داد.

[صحیح است] [متفق علیه]

پیامبران صاحب کاملترین عقل ها و ثابت ترین قلب ها بوده و بهتر و بیشتر از هر کسی صبر و تحمل دارند و استوارترین مردم در برپایی حق الله متعال می باشند. با این همه نیز بشر بوده و فراتر از حد و حدود بشری نیستند. و رسول الله صلی الله علیه وسلم در صفات مذکور از همه ی پیامبران کامل تر بود، اما باز هم به اقتضای بشر بودن، گاه دچار فراموشی می شد تا اینگونه الله متعال احکام سهو و فراموشی را به بندگان خویش بیاموزد. ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز ظهر یا عصر را با اصحابش خواند؛ ابوهریره رضی الله عنه بطور دقیق این نماز را مشخص کرده است، اما ابن سیرین که یکی از راویان حدیث است، فراموش نموده که نماز عصر بوده یا ظهر. وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم دو رکعت از این نماز را می خواند، سلام می دهد. و از آنجایی که ایشان کامل بود و جز با کامل نمودن عمل آرام نمی گرفت، احساس نقص و خلل می کند، اما دلیلش را نمی داند. از این رو به سمت چوبی می رود که در سمت قبله ی مسجد بصورت عمودی قرار گرفته است و با پریشانی به آن تکیه می زند و انگشتانش را در هم می کند. آن دسته از نمازگزارانی که عجله داشتند، از درهای مسجد بیرون رفته و با یکدیگر در مورد کوتاه شدن نماز سخن می گویند. گویا از دیدگاه آنها آنقدر مقام نبوت بزرگ است که نسیان و فراموشی در آن راهی ندارد و بخاطر هیبت و بزرگی رسول الله صلی الله علیه وسلم در سینه های ایشان، هیچکس جرأت ندارد در این مورد مهم با ایشان سخن بگوید، حتی ابوبکر و عمر رضی الله عنهما که نگرانی و عصبانیت را در چهره ایشان مشاهده نمودند. اما یکی از اصحاب که به او ذو الیدین می گفتند سکوت را می شکند و از رسول الله صلی الله علیه وسلم سوال می کند: یا رسول الله، آیا فراموش کردی یا نماز کوتاه شده است؟ وی مطمئن نبود که ایشان فراموش نموده یا نماز کوتاه شده است، زیرا احتمال هر دویِ اینها در آن زمان وجود داشت. و رسول الله صلی الله علیه وسلم مطابق ظن و گمانش می فرماید: «نه فراموش کردم و نه نماز کوتاه شده است». وقتی ذوالیدین متوجه می شود که نماز کوتاه نشده است و از طرفی مطمئن است که ایشان دو رکعت بیشتر نخوانده است، مطمئن می شود که رسول الله صلی الله علیه وسلم فراموش کرده است، پس می گوید: بلکه فراموش کردی. بنابراین رسول الله صلی الله علیه وسلم تصمیم می گیرد از گفته ی ذوالیدین اطمینان حاصل نماید؛ زیرا گفته او مخالف گمان رسول الله صلی الله علیه وسلم مبنی بر کامل نمودن نماز است؛ از این رو به اصحابی که پیرامون ایشان بودند، می فرماید: آیا همانطور است که ذوالیدین می گوید و من

تنها دو رکعت خوانده ام؟ و پاسخ مثبت می شنود. اینجاست که رسول الله صلی الله علیه وسلم جلو رفته و دو رکعت باقی مانده را ادا می کند و پس از تشهد، سلام داده و سپس درحالی که نشسته است، تکبیر گفته و مانند سجده ی نماز یا طولانی تر از آنها سجده می کند؛ سپس سرش را از سجده بلند نموده و تکبیر می گوید؛ سپس الله اکبر گفته و همچون سایر سجده هایش یا طولانی تر، به سجده می رود. سپس سرش را بلند نموده و تکبیر گفته و سلام می دهد و تشهد نمی خواند.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/4853